

# فشارهای تورمی، اقتصاد ایران را تهدید می‌کند

## گزارش صندوق بین‌المللی پول راجع به اقتصاد ایران

یک دولتمرد بذله‌گو گفته است: با آمار و ارقام هر چیزی را می‌توان ثابت کرد.

(توماس کارلایل)

سرعت در حال وارد شدن به بازار کار است. کاهش تورم نیز یکی از مهمترین چالش‌ها بشمار می‌رود. شایان ذکر است که هر سال حدود ۷۵۰ هزار ایرانی برای نخستین بار وارد بازار کار می‌شوند و این مساله فشار زیادی را بر دولت وارد می‌آورد. تلاش‌های دولت برای ایجاد اشتغال از طریق اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی منجر به نرخ تورم دورقمی شده و به نظر می‌رسد که این مساله موجب دستیابی به رشد اقتصادی پایدار در میان مدت نخواهد شد.

### بخش مالی ایران در تسلط بانک‌های دولتی بزرگ و قوانین پیچیده گرفتار شده است.

صندوق بین‌المللی پول در این راستا موارد زیر را پیشنهاد می‌کند:  
- دولت باید تعدیل در سیاست‌های پولی، مالی و سیاست‌های ارزی را که برای کاهش تورم کاملاً ضروری است، پیگیری کند.

- دولت باید در سیاست‌های خود در زمینه کنترل و تثبیت قیمت‌ها، کنترل نرخ بهره و پرداخت یارانه، به‌خصوص به بخش انرژی تجدیدنظر کند.  
- دولت باید برنامه‌های اصلاحات ساختاری، از جمله خصوصی‌سازی را با قوت ادامه دهد.

شدت بالا رفت و در ماه نوامبر گذشته به بیش از ۱۴/۷ درصد افزایش یافت.

ارزش ریال از مارس ۲۰۰۵ تا سپتامبر ۲۰۰۶ میلادی بیش از ۱۱ درصد افزایش یافت و در این مدت سیاست‌های پولی و مالی کاملاً انبساطی بودند. گرچه بخش مالی باید در تعادل قرار می‌گرفت، ولی کسری مالی بخش غیرنفتی طی سال مالی ۲۰۰۶-۲۰۰۷ به بیش از ۲۱ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش خواهد یافت. لازم به یادآوری است که این رقم در سال مالی ۲۰۰۵-۲۰۰۶ میلادی کمتر از ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی بود.

اعتبارات بخش خصوصی در این مدت بیش از پیش افزایش یافته است. دولت ایران طی مارس ۲۰۰۶ میلادی نرخ بهره بانک‌های دولتی را کاهش داد و برای نرخ بهره بانک‌های خصوصی نیز ضابطه خاصی را تعیین کرد. نرخ بهره بانک‌های خصوصی در ایران پیش از این تاریخ تقریباً آزادانه تعیین می‌شد و ضابطه خاصی نداشت.

افزایش صادرات نفت هم موجب بهبود وضعیت ذخایر ارزی و کاهش بدهی‌های خارجی ایران شد.

### بزرگترین چالش

مهمترین چالش فراروی اقتصاد ایران، دستیابی به نرخ بالای رشد اقتصادی پایدار به منظور ایجاد فرصت‌های شغلی جدید برای نیروی کاری است که به

صندوق بین‌المللی پول در تازه‌ترین گزارش تفصیلی خود درباره ایران، بر سیاست‌های تعدیل ساختاری اقتصاد کلان ایران تاکید کرده و اجرای این سیاست‌ها را برای دستیابی به رشد بالای اقتصادی پایدار و کاهش نرخ تورم کاملاً ضروری دانسته است. گزارش مزبور که در روزهای آخر سال ۱۳۸۵ توسط خبرگزاری فارس منتشر شد، بدین شرح است:

### نرخ رشد شش درصدی اقتصادی ایران

همزمان با افزایش قیمت نفت و اتخاذ سیاست‌های انبساطی، رشد تولید ناخالص داخلی در سال مالی ۲۰۰۶ - ۲۰۰۵ میلادی (که از ۲۱ مارس آغاز می‌شود) به بیش از ۵/۵ درصد رسیده و پیش‌بینی می‌شود که این رقم در سال مالی ۲۰۰۶-۲۰۰۷ میلادی به بیش از شش درصد برسد. در پایان این مدت، نرخ تورم اقتصاد ایران در آوریل ۲۰۰۶ میلادی به کمتر از هفت درصد رسید، ولی طی ماه‌های اخیر به

تلاش‌های دولت برای ایجاد اشتغال از طریق اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی، منجر به نرخ تورم دورقمی شده و به نظر می‌رسد که این مساله موجب دستیابی به رشد اقتصادی پایدار در میان مدت نخواهد شد.

## انبساطی شدن سیاست‌های مالی

سیاست‌های پولی و مالی در سال ۲۰۰۶-۲۰۰۵ به شدت انبساطی بوده است. بودجه ۲۰۰۶-۲۰۰۵ با هدف کاهش کسری مالی بخش غیرنفتی با افزایش درآمدها و ثابت نگه داشتن هزینه‌های دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی تنظیم شد. در این مدت، دو بودجه متمم برای تامین هزینه‌های مربوط به واردات بنزین و پرداخت یارانه مواد غذایی و پرداخت حقوق معلمان و پرستاران و ارتقای زیرساخت‌های شهری، به تصویب مجلس رسید و در نتیجه، با وجود افزایش درآمدهای نفتی، مازاد درآمدهای دولت مرکزی و حساب ذخیره ارزی از ۱/۷ درصد در سال ۲۰۰۵-۲۰۰۴، به کمتر از ۱/۱ درصد در سال ۲۰۰۶-۲۰۰۵ کاهش یافت. کسری بودجه بخش غیرنفتی نیز از ۱۵/۲ درصد، به بیش از ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی رسید.

بخشی از منابع مالی برای تامین هزینه‌های دولت و پرداخت وام به بخش خصوصی طی سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۵ و ۲۰۰۷-۲۰۰۶ از حساب ذخیره ارزی گرفته شده و در نتیجه، میزان ذخایر ارزی در سال ۲۰۰۶-۲۰۰۵ تنها ۱/۲ میلیارد دلار افزایش یافت و در پایان این سال مالی هم به ۱۰/۷ میلیارد دلار رسید. پیش‌بینی می‌شود که موجودی حساب ذخیره ارزی تا پایان سال مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۶ به بیش از ۱۲/۴ میلیارد دلار افزایش یابد.

## ناکامی بانک مرکزی در کنترل نقدینگی

بخش زیادی از هزینه‌های مازاد تعهدشده در اصلاحیه بودجه ۲۰۰۶-۲۰۰۵ به بودجه ۲۰۰۷-۲۰۰۶ منتقل شد که این مساله موجب فشار بر سیاست‌های پولی خواهد شد. با توجه به سیاست به تعویق انداختن هزینه‌ها، به محض تامین منابع،

نخست ۲۰۰۷-۲۰۰۶ بیش از ۳۵ درصد رشد داشت و پایه پولی نیز با سرعت بیشتری رشد یافت.

## تاثیر کاهش نرخ سود

در عین حال، شرایط پولی طی مارس ۲۰۰۶ با کاهش نرخ سود بانک‌های دولتی تا حدی تعدیل شد و نرخ سود از ۱۶ درصد، به ۱۴ درصد کاهش یافت. دولت همچنین اقدام به تعیین نرخ سود بانک‌های خصوصی نمود و آن را در سطح ۱۷ درصد تصویب کرد. به علاوه، مجلس طی آوریل ۲۰۰۶ میلادی با تصویب طرحی، دولت را متعهد کرد که تا پایان برنامه پنج‌ساله چهارم، نرخ سود بانکی را یک‌رقمی کند.

## افزایش ارزش واقعی ارز

نرخ موثر ارز طی سال ۲۰۰۶-۲۰۰۵ افزایش یافت. از مارس ۲۰۰۲ که ارز تک‌نرخ شد، تا پایان سال ۲۰۰۴، سیاست‌های ارزی بر اساس نگرانی موجود در خصوص رقابت خارجی اتخاذ شده و در این بین، تثبیت ارزش واقعی ریال نیز مورد توجه بوده است. در سال ۲۰۰۶-۲۰۰۵، به منظور کمک به تسریع سیاست‌های پولی انبساطی و افزایش ذخایر ارزی، اجازه افزایش ۲/۱ درصدی ارزش واقعی ریال داده شد. این روند طی آوریل تا سپتامبر ۲۰۰۶ و همزمان با کاهش ارزش دلار در برابر یورو، تا حدی تعدیل شد. با توجه به اختلافات نرخ تورم در ایران با شریک‌های تجاری، ارزش واقعی ارز طی مارس ۲۰۰۵ تا سپتامبر ۲۰۰۶ بیش از ۱۱ درصد افزایش یافت.

## وضعیت ذخایر ارزی

افزایش شدید قیمت نفت موجب ارتقای سطح شاخص‌های خارجی شد و مازاد تجاری از ۱/۲ درصد، به بیش از ۷/۴ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش یافت. میزان تولید نفت طی سال ۲۰۰۶-۲۰۰۵ به بیش از چهار میلیون بشکه در روز رسید که البته بخش زیادی از این تولید جذب بازارهای داخلی می‌شود. میزان صادرات نفت هم روزانه به بیش از ۲/۴



© دولت باید همانقدر که نگران رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال است، به نرخ تورم نیز بیندیشد.

## موجودی حساب ذخیره ارزی

انبساط مالی در سال ۲۰۰۷-۲۰۰۶ میلادی ادامه می‌یابد. با وجود افزایش درآمدهای بخش غیرنفتی که با عملکرد مثبت مالیات‌های مستقیم حاصل شده است، رشد هزینه‌های جاری و هزینه‌های سرمایه‌ای موجب افزایش کسری مالی بخش غیردولتی به بیش از ۲۱ درصد تولید ناخالص داخلی می‌شود.

حجم زیادی از نقدینگی در سال مالی جاری به اقتصاد تزریق خواهد شد.

سیاست‌های پولی توسط ابزارها و سیاست‌های مالی محدود می‌شود و محدودیت دستیابی به ابزارهای پولی ادامه خواهد یافت. افزایش استفاده از درآمدهای نفتی، بانک مرکزی ایران را برای دستیابی به اهداف پولی با چالش‌های زیادی روبرو کرده است. حجم نقدینگی طی سال ۲۰۰۶-۲۰۰۵ و شش ماهه

ادامه سیاست‌های کنونی در زمینه اقتصاد

کلان، اقتصاد ایران را با خطر فشارهای

تورمی روبرو خواهد کرد.

### خطر فشارهای تورمی

با توجه به افزایش قیمت جهانی انرژی و رشد تقاضا برای صادرات غیرنفتی، رشد اقتصادی ایران در کوتاه‌مدت رضایت‌بخش خواهد بود. رشد واقعی تولید ناخالص داخلی به لطف فعالیت قوی بخش غیرنفتی طی سال مالی ۲۰۰۶-۲۰۰۷ به بیش از ۵/۸ درصد خواهد رسید. میزان مازاد حساب‌های ارزی در این مدت به علت اتخاذ سیاست‌های مالی انبساطی کاهش خواهد یافت. ادامه سیاست‌های کنونی در زمینه اقتصاد کلان، اقتصاد ایران را با خطر فشارهای تورمی روبرو خواهد کرد.

صندوق بین‌المللی پول دولت ایران را تشویق می‌کند تا برای کاهش خطر فشارهای تورمی، سیاست‌های تعدیل مالی و انضباط پولی را در دستور کار قرار دهد و سیاست‌های انعطاف‌پذیری را در زمینه نرخ ارز اتخاذ کند. دولت باید در سیاست‌های خود در زمینه کنترل و تثبیت قیمت‌ها و همچنین کنترل نرخ بهره تجدیدنظر کند. دولت همچنین باید در سیاست اعطای یارانه به بخش‌های مختلف، به‌خصوص در بخش انرژی، بازنگری کند تا میزان بهره‌وری اقتصاد را افزایش دهد.

دولت باید به همان میزان که نگران رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال است، به نرخ تورم نیز توجه ویژه‌ای داشته باشد و سعی کند که نرخ تورم را یک‌رقمی کند. دولت باید در صورت ادامه فشارهای تورمی، میزان هزینه‌های خود را کاهش دهد.

### رشد تقاضای بنزین

بخش زیادی از تامین اجتماعی در ایران به قشر فقیر پرداخت می‌شود که شامل مسکن، بهداشت و بیمه تامین اجتماعی می‌شود. این کشور همچنین یارانه‌های وسیعی را در زمینه انرژی، مواد غذایی و اعتبارات بانکی پرداخت می‌کند. جمع یارانه‌های انرژی بیش از ۱۷/۵ درصد تولید ناخالص داخلی ایران را در سال مالی ۲۰۰۶-۲۰۰۵ تشکیل داده است، این در حالی است که کل یارانه‌های کشور بیش از ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی بوده است.

به علت پرداخت یارانه انرژی، قیمت سوخت در ایران جزو پایین‌ترین رقم‌ها در جهان بشمار می‌رود، یعنی قیمت هر لیتر بنزین در ایران نه سنت است و همین قیمت پایین بنزین موجب رشد فزاینده تقاضا و مصرف شده است. تقاضای بنزین طی پنج سال اخیر

خصوصی‌سازی بخشید.

برنامه کنونی خصوصی‌سازی مورد توجه خاص مردم هم قرار گرفته است و دولت قصد دارد که به مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته به‌طور خاص توجه کند و بیش از ۳۰ درصد برنامه خصوصی‌سازی به نفع این مناطق صورت خواهد گرفت.

حدود ۱۹ شرکت تاکنون برای خصوصی‌سازی معرفی شده‌اند. ۱۵ شرکت از آنها کوچک هستند و کلیه سهام آنها به عنوان سهام عدالت عرضه خواهد شد. چهار شرکت دیگر شرکت‌های بزرگی هستند که ۴۰ درصد سهام آنها به عنوان سهام عدالت توزیع می‌شود و ۴۰ درصد دیگر سهام نیز در بورس دادوستد خواهد شد. بانک‌های دولتی نیز طی دو تا سه سال آینده خصوصی خواهند شد. برنامه خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی ایران تا پایان برنامه پنج‌ساله پنجم کامل می‌شود. اما باید توجه داشت که موفقیت برنامه خصوصی‌سازی بستگی به انتقال موثر کنترل شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی دارد، چون شرکت‌های خصوصی از تکنولوژی

میلیون بشکه رسید و افزایش شدید قیمت نفت موجب رشد درآمدهای صادراتی شد. با وجود افزایش واقعی قیمت ارز، میزان صادرات غیرنفتی به سرعت افزایش یافت و در این مدت، میزان واردات نسبت به دو سال قبل با نرخ کمتری افزایش یافته است.

میزان ذخایر ناخالص ارزی شامل حساب ذخیره ارزی تا پایان سپتامبر ۲۰۰۶ به بیش از ۵۵/۶ میلیارد دلار رسید و میزان بدهی‌های خارجی نیز به کمتر از ۱۱ درصد تولید ناخالص داخلی کاهش یافت.

### برنامه خصوصی‌سازی

اقتصاد ایران یک اقتصاد دولتی است و بخش زیادی از شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی در بخش‌های مهم اقتصادی حضور دارند. تقریباً بیشتر شرکت‌های خصوصی هم در بخش‌های کشاورزی، تجارت داخلی و خارجی، صنایع کوچک و معدن فعالیت دارند و نقش بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی بسیار جزیی است.



② افزایش استفاده از درآمدهای نفتی، بانک مرکزی ایران را برای دستیابی به اهداف پولی با چالش‌های زیادی روبرو کرده است.

و مدیریت بهتری برای اداره شرکت‌های دولتی برخوردار خواهند بود. علاوه بر این، خصوصی‌سازی نیازمند بستر مناسب قانونی است و اصلاحات باید با هدف کاهش موانع دولتی و سازمانی صورت بگیرد و بخش خصوصی باید قدرت عمل کافی داشته باشد و دولت ایران باید خود را برای افزایش رقابت و اجرایی قانون ضدانحصار آماده کند.

نخستین تلاش‌ها برای خصوصی‌سازی در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی آغاز شد و بخش زیادی از سهام شرکت‌ها در بورس عرضه شد. موج دوم اصلاحات در دهه ۱۹۹۰ میلادی آغاز شد، ولی پیچیدگی‌های قوانین و ساختارهای قانونی و حمایت‌های ضعیف سیاسی موجب شکست این برنامه شدند. اما ابلاغیه رهبر انقلاب اسلامی روح و جان تازه‌ای به برنامه

سالانه ۱۰ درصد رشد داشته و این مساله تاثیرات زیست‌محیطی زیادی داشته است. با توجه به قیمت پایین بنزین در ایران نسبت به کشورهای همسایه، این مساله انگیزه زیادی را هم برای قاچاق سوخت ایجاد کرده است. گرچه ایران چهارمین تولیدکننده بزرگ نفت جهان بشمار می‌رود، ولی رشد تقاضا و کمبود ظرفیت پالایشگاه‌ها، میزان واردات بنزین را به شدت افزایش داده است.

### نظام یارانه

قیمت ۲۰ قلم کالا از سوی دولت کنترل می‌شود. سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کننده و تولیدکننده با هماهنگی شورای اقتصاد و مجلس، نرخ دولتی کالاها را تعیین می‌کند. مهمترین اقلام یارانه‌ای عبارتند از غلات که ۵۰ درصد کل یارانه‌ها را تشکیل می‌دهد، کالاهای اساسی مثل شکر، روغن خوراکی و شیرخشک که ۲۵ درصد کل یارانه‌ها را تشکیل می‌دهند و یارانه سایر کالاها مثل کاغذ، ماشین‌آلات کشاورزی و کود شیمیایی نیز ۲۵ درصد کل یارانه‌ها را شامل می‌شود. سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کننده، قیمت کالاهای اساسی را زیر قیمت‌های خارجی و قیمت تولید تعیین می‌کند و مابه‌التفاوت را به عنوان یارانه در بودجه منظور می‌کند.

یارانه‌های غیرانرژی طی سال مالی ۲۰۰۵-۲۰۰۶ به بیش از ۵/۵ میلیارد دلار رسید. این رقم سه درصد کل تولید ناخالص داخلی است و طی سال ۲۰۰۶-۲۰۰۷ به بیش از ۶/۱ میلیارد دلار خواهد رسید.

اصلاح نظام یارانه‌ای از ابتدای برنامه سوم توسعه، یعنی از سال ۱۹۹۹-۲۰۰۰ میلادی آغاز شد، ولی تاکنون پیشرفت ناچیزی داشته است. از سال ۲۰۰۵ میلادی هم دولت برنامه استراتژی چهارمرحله‌ای را برای حذف یارانه‌ها آغاز کرد که افزایش قیمت سوخت، ارتقای سیستم حمل‌ونقل و گازسوزکردن خودروها از جمله مهمترین برنامه‌های این استراتژی بشمار می‌رود.

### نقدینگی

طرح‌های پولی صندوق بین‌المللی پول نشانگر این مساله است که دولت ایران قادر به کاهش نقدینگی به کمتر از ۳۰ درصد تا پایان سال مالی ۲۰۰۶-۲۰۰۷ نخواهد بود و در نتیجه، کاهش نرخ

تورم کاملاً بعید به نظر می‌رسد، حتی اگر دولت در انتشار اوراق مشارکت عمومی موفق عمل کند. مقام‌های دولتی بر این باورند که نرخ کنونی ارز برای بخش مبادله کالا کاملاً رضایت‌بخش است. با وجود افزایش واقعی ارزش ریال، میزان صادرات غیرنفتی از رشد قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار بوده است. سیاست ارزی ایران به روند کنونی خود، یعنی کاهش تدریجی ارزش اسمی ریال در برابر سیدی از ارزهای بین‌المللی شامل یورو، ین و دلار آمریکا ادامه خواهد داد. دولت تمایل چندانی برای انعطاف‌پذیرترکردن سیاست‌های ارزی ندارد، چرا که این مساله تاثیرات منفی بر ثبات بازارهای خارجی خواهد داشت.

### کاهش سودآوری بانک‌ها، نشاتگر عدم‌کارایی، کنترل نرخ سود و ناکارایی سیستم بانکی در پرداخت وام است.

### بخش مالی و سلطه بانک‌های دولتی بزرگ

بخش مالی ایران در تسلط بانک‌های دولتی بزرگ و قوانین گسترده و پیچیده باقی مانده است. این قوانین شامل نرخ بهره، اعتبارات یارانه‌ای برای مناطق خاص و یارانه‌های ویژه برای بخش کشاورزی و آب است. رقابت، در بخش مالی ایران جایگاه چندانی ندارد و بیشتر بانک‌ها از استقلال تجاری محروم هستند. به همین علت، صندوق بین‌المللی پول خواستار حذف تدریجی قوانین و کنترل‌های موجود است.

### ناکارایی سیستم بانکی

سودآوری بانک‌ها در سال ۲۰۰۵-۲۰۰۶ کاهش یافت. این امر نشانگر عدم‌کارایی، کنترل بر نرخ سود و ناکارایی سیستم پرداخت وام است. میزان وام‌های پرداختی توسط شبکه بانکی طی سال مالی ۲۰۰۵-۲۰۰۶ بیش از ۹/۹ درصد رشد داشت، در حالی که این رقم در سال ۲۰۰۴-۲۰۰۵ کمتر از ۷/۷ درصد رشد داشته است. دو بانک خصوصی جدید هم در سال ۲۰۰۶-۲۰۰۷ مجوز فعالیت گرفتند و میزان مشارکت بانک‌های خصوصی به بیش از ۱۰/۵ درصد کل پس‌اندازها تا پایان سال رسید.

### نظارت بانک‌ها

اصلاحات برای افزایش قدرت نظارت بانک‌ها ادامه می‌یابد، ولی اقدامات دیگری نیز باید در این زمینه انجام شود. البته گام‌هایی برای افزایش نظارت داخلی سیستم بانکی و ارتقای سطح فناوری اطلاعات برداشته شده است. به علاوه، دولت تلاش زیادی می‌کند تا موسسات مالی بیشتری را تحت‌کنترل و نظارت بانک مرکزی درآورد. به نظر می‌رسد که در آینده اقداماتی برای استقلال بیشتر بانک مرکزی از دولت و کارایی سیستم نظارت بانک مرکزی باید انجام شود.

### دو سناریو برای اقتصاد ایران

صندوق بین‌المللی پول دو سناریوی میان‌مدت را برای اقتصاد ایران طراحی کرده است: یکی، سناریوی بنیادین برای این که دولت به سیاست‌های کنونی خود ادامه دهد و دیگری، سناریوی فعال که دولت ایران راهنمایی‌های صندوق را با سیاست‌های خود ترکیب کند.

براساس سناریوی اول، رشد واقعی تولید ناخالص داخلی امسال به کمتر از چهار درصد خواهد رسید و نرخ تورم نیز همچنان دورقمی باقی خواهد ماند. کسری مالی بخش غیرنفتی از ۲۰/۴ درصد، به کمتر از ۱۷/۴ درصد در میان‌مدت کاهش می‌یابد که این مساله با تصویب قانون مالیات بر ارزش افزوده و کاهش برداشت از حساب ذخیره ارزی عملی خواهد شد. تراز تجاری نیز در بخش زیادی از این مدت مثبت خواهد بود و افزایش قیمت نفت موجب رشد درآمدهای صادراتی خواهد شد، ولی مازاد تجاری در پایان این مدت کاهش خواهد یافت. میزان ذخایر ارزی خارجی تا سال ۲۰۱۲-۲۰۱۱ به کمتر از نه ماه واردات خواهد رسید. کاهش ۱۰ دلاری قیمت نفت نیز موجب کاهش مازاد تجاری خواهد شد و این رقم به چهار درصد تولید ناخالص داخلی خواهد رسید. تا پایان این مدت، ذخایر ارزی خارجی برای سه ماه واردات کافی خواهد بود.

اما سناریوی فعال مستلزم اعمال ابزارهای مالی مضاعف تا سقف دو تا ۳/۵ درصد تولید ناخالص داخلی در میان‌مدت است. براساس این طرح، کسری مالی بخش غیرنفتی از ۱۸/۵ درصد در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۷، به کمتر از ۱۳/۷ درصد در سال مالی ۲۰۱۲-۲۰۱۱ کاهش خواهد یافت. ■